

مثبت دیدن دور نمای کشور نقطه قوت است

عبدالرحمن فیهیمی

سرمقاله

شهید مزاری و بنیانگذاری نظام عادلانه

حفیظ الله زکی

پیش از دو نیم قرن است که گفتمان قومیت، وجه غالب در ادبیات سیاسی ما به شمار می آید.

عصبیت پیش از همه در جامعه قبیله ای و بدوی و ماقبل تجده به وجود می آید و قبایل گوناگون، نظم، انسجام و وفاداری جمعی خود را مروه عصبیت های قومی می دانند و معتقد اند که تفکر قبیله ای به حیات سیاسی و اجتماعی اعضای قبیله دوام می بخشد و از آنان در برابر خطرات و تهدیدهای بیرونی محافظت می کند.

در دو و نیم قرن گذشته استبداد فردی بر اساس حق شخصی و مطلق فرمانروا نوعی رابطه ارباب-رعیتی را در بین فرمانروایان و فرمانبرداران پدید آورد.

در چنین نظامی تمامی سرزمین و انسان هایی که در آن زندگی می کردند، جزء مایملک دولت به شمار می آمد.

چرخ قدرت سیاسی در افغانستان از مسیر منازعات خونین و مرگباری عبور کرده که بررسی و تحلیل آن مینا و معیار سیاست ها و رفتارهای سیاسی نخبگان و فرمانروایان ظالم را به خوبی آشکار می سازد.

سنگرگونی رژیم کمونیستی و جاگزینی آن به حکومت اسلامی مجاهدین، از یک طرف با برکندن بنیادهای نظامهای گذشته همراه بود و از جانب دیگر ارزشها و معیارهای جدیدی برای جایگزینی آن ارائه نتوانست.

خلاء تئوریک و فقدان اندیشه های نظام مند سیاسی، حاکمان بر سر قدرت مجاهدین را ناگزیر از آموزه های دینی و اسلامی عبور داد و در مسیر رویکردهای قوم پرستانه قرار داد.

در این شرایط شهید مزاری، به عنوان رهبر فکری و سیاسی، با طرح انحصاری قدرت و قومی سازی دولت، به مخالفت برخاست و خواهان بازنگری کلی در ساختار، مینا و ویژگی های دولت جدید گردید. دولتی که در آن قانون، آزادی های مدنی، برابری و عدالت از اصول خدشه ناپذیر و غیر قابل انفکاک آن به شمار آید.

شهید مزاری می دانست که گفتمان قومیت چه در گذشته و چه در زمان حاضر به عنوان گفتمان مسلط در ادبیات سیاسی کشور مطرح می باشد.

اما با درک این حقیقت که هیچ گفتمانی خارج از قلمرو قدرت شکل نمی گیرد، تلاش ها و اندیشه های سیاسی خود را بر ساختارها و بنیادهای دولت و ساماندهی قدرت در افغانستان استوار نمود.

هنر مزاری در این بود که برای تثبیت هویت جمعی و تخریب نظام ناعادلانه و خلق رهبریات ها و سازه های نظری در ادبیات دولت سازی و شروع یک تجربه نوین در حیات سیاسی و مناسبات اجتماعی، با تعهد، صداقت و شجاعت تمام، از فرصت های به وجود آمده بهره برد و امکانات و ابزارهای موجود را در راستای دسترسی به اهداف سیاسی و تشکیل یک حکومت اسلامی مستقل و متکی بر اراده آزاد مردم مورد استفاده قرار داد و قدرت ها و باورها و انگیزه های پراکنده، نامنسجم و سازمان نیافته را در قالب اندیشه های جدید سیاسی و جریان فعال سیاسی بارور کرد و به فعلیت رساند.

ابتکارات شگفت شهید مزاری از آنجایی برجسته و آشکار می شود که او از شکل گیری و سرعت پیشرونده روندهای سیاسی در سطح داخلی، منطقه ای و بین المللی به گونه مؤثر بهره می برد.

اجتماعی او را بازتاب می داد، پایه های سلطه و سیطره گفتمان های قومی و نژادی را متزلزل کرد و آن را به یک ایده تاریخ گذشته، بی مصرف و فاقد پشتوانه های عقلانی تبدیل کرد. مزاری با گسیختن زنجیر محکومیت ملیت های ساکن در افغانستان و رخنه کردن در دیوار ضخیم و غیر قابل عبور قدرت سیاسی و تثبیت هویت جمعی و انکار شده اقوام تحت ستم، تجربه نخستین رهبری کارزماتیک را در تاریخ افغانستان رقم زد.

مزاری تمامی اسطوره ها، مقدرات، باورهای انتزاعی و پندارهای بی سرانجام که محکومیت ملیت های محروم را ازلی و ابدی جلوه داده بود، درهم شکست و طلسم ترس مردم از هویلائی قدرت را باطل کرد و ریاکاری ها و خیانت هایی را که از هم کاسه شدن قدرت و دیانت شکل می گرفت، افشا کرد.



سوی دیگر، می تواند با دل پُر از کشورهای غربی همکار در خواست کمک و همکاری در زمینه ها و بخش های مختلف را کند. به هر صورت، خوش بین بودن مردم و باور به این که کشور با نظم موجود سیاسی به سمت ثبات و رفاه عمومی در حرکت است، دستاورد کلان برای حکومت و به صورت عموم نظام سیاسی است. اما تن ندادن به خواسته ها و ایده های عمومی می توانست، این پندار بینی مثبت و خوش بینی را تهدید کند. به عبارت دیگر، بیرون داده های که به عنوان تصفیه از سیستم سیاسی خارج شده و عملی می شود، باید با درون داده های که وارد سیستم می شود، مطابقت و هم خوانی داشته باشد. در صورت مطابقت نداشتن درون داده ها و بیرون داده ها، نارضایتی عمومی پدید آمده و پندار عمومی مردم نسبت به آینده و نظم موجود سیاسی خدشه دار خواهد شد.

بی شماری وجود دارد، ولی با فرض شروع گفت و گوهای سیاسی، خوش بین بودن مردم حکایت گر رضایت عمومی از نظام و حکومت و پشتیبانی از نظم موجود سیاسی است. این امر، فرصت سیاسی کلان را به حکومت فراهم می کند، تا به گروه طالبان از موضع بالا و قدرت سخن زده و هرگز در برابر خواسته ها و نقطه نظرات آن ها کوتاه نیاید. خواسته های طالبان اگر طرح صلاح نامه بخش شده از سوی آن گروه صحت داشته باشد، خواسته های کلان بوده که در صورت پذیرش، فاتحه نظم سیاسی موجود را باید از همان آوان توافق سیاسی خواند. در عرصه سیاست خارجی و تعامل با دیگر بازیگران بین المللی نیز، خوش بین بودن مردم به آینده و مثبت دیدن پشتیبانی از سوی مردم بوده و نظام جدید گروه طالبان است. گروه طالبان که مدعی پی گیری گفت و گو و مذاکرات سیاسی با گروه طالبان است. گروه طالبان که مدعی پشتیبانی از سوی مردم بوده و نظام جدید را دست نشاندۀ و برخلاف آرمان ها و ایده های دیرینه و تاریخی کشور می داند. در این روزها گپ و گفت های سر زبان هاست که به زودترین فرصت ممکن گفت و گوهای سیاسی حکومت و گروه طالبان با تلاش های جمهوری خلق چین و پاکستان آغاز می گردد. گرچه تردیدها و اما ها و اگرهای

یکی از این عوامل از حوصله این نوشته و این قلم بیرون است. فقط می شود نتیجه گیری کرده و با وضعیت عمومی کشور سنجه کرد. به نظر می رسد که خوش بینی مردم نسبت به آینده کشور و باور به این که جامعه به سمت ثبات و رفاه عمومی گام می نهد، یکی از عوامل قدرت ساز برای حکومت است که در عرصه های مختلف می تواند مؤثر واقع شود. در عرصه سیاست داخلی حکومت در حال پی گیری گفت و گو و مذاکرات سیاسی با گروه طالبان است. گروه طالبان که مدعی پشتیبانی از سوی مردم بوده و نظام جدید را دست نشاندۀ و برخلاف آرمان ها و ایده های دیرینه و تاریخی کشور می داند. در این روزها گپ و گفت های سر زبان هاست که به زودترین فرصت ممکن گفت و گوهای سیاسی حکومت و گروه طالبان با تلاش های جمهوری خلق چین و پاکستان آغاز می گردد. گرچه تردیدها و اما ها و اگرهای

نظرسنجی از مکانیزم ها و روش های مطرح بازتاب دادن نظر و دیدگاه اکثریت شهروندان است. سازمان های نظرسنجی متعددی در کشورها فعال اند. در موارد گونه گون دست به نظرسنجی می زنند. گاه در هنگام رقابت های انتخاباتی نظرسنجی صورت گرفته و میزان برخورداری نامزدان انتخابات را از حمایت های مردمی سنجه می کند که از این رهگذر، شانس پیروزی و بُرد یکی از آن ها را پیش گویی می نماید، و گاه در مورد برخی مسائل مهم و کلان ملی نظرسنجی صورت گرفته و میزان پشتیبانی و یا مخالفت مردم را با یکی از سیاست ها و برنامه های رژیم های سیاسی بازتاب می دهد. گرچه احتمال تباهی سازمان های نظرسنجی کننده و جناح های سیاسی نیز محتمل است. اما امروزه در کشورهای توسعه یافته، میزان اعتماد شهروندان و بازیگران سیاسی به نتیجه نظرسنجی های انجام شده افزایش یافته و می شود گفت که این نظرسنجی ها دورنمای سیاسی جامعه ها را به خوبی پیش گویی می کنند. همان گونه که دموکراسی، احزاب سیاسی و ... در کشور مسا جوان است و با ده ها چالش و مانع های فراوان مواجه است، نظرسنجی نیز در جوان است و سازمان های برگزار کننده نظرسنجی نیز بدون تردید با چالش ها و مشکل های ویژه ای دست و پنجه نرم می کنند. اما به هر صورت، گام کلان در راستای تحکیم نظر و رای مردم برداشته می شود. نهاد به نام دموکراسی بین المللی به تازگی نتیجه نظرسنجی را نشر و بخش کرده است که به صورت عموم نظر مردم را در دو مورد بس مهم و حیاتی بازتاب می دهد: نخست این که علی رغم تن به سامانی های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی اکثریت مردم کشور به آینده خوش بین هستند. یعنی دورنمای سیاسی کشور را مثبت می نگرند و بدین باور هستند که موتور یا ماشین به نام سرنوشت در جاده ناهموار کنونی به سمت مطلوب حرکت می کند. آینده موفق و مرفه را در پیش رو دارد و سر انجام افغانستان نیز از این نا به سامانی و توسعه نیافتگی

بندبانی ایجاد تغییراتی در ابعاد مختلف جامعه بود، چرا که هر گونه تغییر و تحولی در تمامی ابعاد جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منوط به نوعی پذیرش فرهنگی در جامعه می باشد. مفهوم توسعه فرهنگی توسط یونسکو در دهه ۱۹۶۰ میلادی در جهان رواج یافت. این سازمان طی جلسات گوناگونی، شرایط توسعه موزون و آگاهانه را به صورت برنامه ریزی آموزشی، سیاست فرهنگی و سیاست اطلاعاتی در دستور کار خود قرار داد. همچنین این مفهوم تا آنجا برای یونسکو با اهمیت بود که دهه ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ توسط این سازمان به عنوان دهه توسعه فرهنگی نامیده شد. سازمان جهانی یونسکو همچنین، توسعه فرهنگی را چنین تعریف نموده است: «توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزشهای فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد.» تعابیر مختلفی در باب توسعه فرهنگی وجود دارد اما می توان تعریف «ژیرار آگوستین» را یکی از تعاریف قابل توجه این مفهوم برشمرد: «ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان، افزایش علم و دانش انسان ها، آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی، افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه.»

ضرورت توجه اساسی به توسعه فرهنگی

امیر ابتهاج

می شود، و توانایی های بالقوه و خلاق انسان را در زمینه فرهنگی شکوفا می کند. و این مسئله خود در شکل گیری هویت فرهنگی جامعه نقش مهمی را ایفا می کند. در واقع ترکیب توسعه و فرهنگ در جامعه و در بخشی از اندیشه های علوم

فرهنگی با توجه به مقتضیات زمان، می توان به تقویت عناصر فرهنگی مساعد توسعه همت گماشت و به تصفیه فرهنگ از عناصر مانع توسعه همچون باورهای واهی و خرافات، پرداخت. عناصر توسعه گرا و تحول خواه موجود در فرهنگ هر

داد. هر کسی می تواند بدون غرض ورزی و حب و بغض، وسعت دیدش را زیاد کند و به مشاهده عینی سطح فرهنگ کشورش نگاهي بیندازد. واقعیت این است که ما در بسیاری موارد از فرهنگ سازی غافل مانده ایم. آیا صرف

بندبانی ایجاد تغییراتی در ابعاد مختلف جامعه بود، چرا که هر گونه تغییر و تحولی در تمامی ابعاد جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منوط به نوعی پذیرش فرهنگی در جامعه می باشد. مفهوم توسعه فرهنگی توسط یونسکو در دهه ۱۹۶۰ میلادی در جهان رواج یافت. این سازمان طی جلسات گوناگونی، شرایط توسعه موزون و آگاهانه را به صورت برنامه ریزی آموزشی، سیاست فرهنگی و سیاست اطلاعاتی در دستور کار خود قرار داد. همچنین این مفهوم تا آنجا برای یونسکو با اهمیت بود که دهه ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ توسط این سازمان به عنوان دهه توسعه فرهنگی نامیده شد. سازمان جهانی یونسکو همچنین، توسعه فرهنگی را چنین تعریف نموده است: «توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزشهای فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد.» تعابیر مختلفی در باب توسعه فرهنگی وجود دارد اما می توان تعریف «ژیرار آگوستین» را یکی از تعاریف قابل توجه این مفهوم برشمرد: «ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان، افزایش علم و دانش انسان ها، آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی، افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه.»

تا مدت ها توسعه مقوله ای صرفا اقتصادی تلقی می شد و کشورهای مختلف، تنها از این جنبه به آن توجه می کردند. به عبارتی، پیشرفت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... یگانه ملاک توسعه هر جامعه قلمداد می شد و تصور غالب این بود که می توان به مدد الگوهای مختلف توسعه مانند رشد تکنولوژی، انباشت ثروت، مشارکت مردم و مواردی از این قبیل به اهداف یک جامعه توسعه یافته نائل آمد.



بندبانی ایجاد تغییراتی در ابعاد مختلف جامعه بود، چرا که هر گونه تغییر و تحولی در تمامی ابعاد جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منوط به نوعی پذیرش فرهنگی در جامعه می باشد. مفهوم توسعه فرهنگی توسط یونسکو در دهه ۱۹۶۰ میلادی در جهان رواج یافت. این سازمان طی جلسات گوناگونی، شرایط توسعه موزون و آگاهانه را به صورت برنامه ریزی آموزشی، سیاست فرهنگی و سیاست اطلاعاتی در دستور کار خود قرار داد. همچنین این مفهوم تا آنجا برای یونسکو با اهمیت بود که دهه ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ توسط این سازمان به عنوان دهه توسعه فرهنگی نامیده شد. سازمان جهانی یونسکو همچنین، توسعه فرهنگی را چنین تعریف نموده است: «توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزشهای فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد.» تعابیر مختلفی در باب توسعه فرهنگی وجود دارد اما می توان تعریف «ژیرار آگوستین» را یکی از تعاریف قابل توجه این مفهوم برشمرد: «ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان، افزایش علم و دانش انسان ها، آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی، افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه.»

فرهنگ به عنوان گنجینه ای از دستاوردهای سادی و معنوی بشری که باورها، ارزش ها، نگرش ها و هنجارهای مورد قبول یک جامعه را در طول تاریخ به وجود آورده است، نوع رفتار مردم آن جامعه را مشخص می کند. بدیهی است که نمی توان بدون اعتنا به این مقوله بسیار مهم

انسانی، به دنبال این است که با توجه به فرآیند مدرنیته و مدرنیزاسیون با یک رویکرد درونی و بومی و بهره مندی از پیامدهای مؤثر بیرونی توسعه، به شناخت عمیق باورها و ارزش های ملی و معلی جامعه خود بپردازد. همچنین باید توجه داشت که توسعه فرهنگی همانطور که از سویی زمینه ساز علت توسعه ابعاد دیگر جامعه است، در دیگر سو، معلول آن ها نیز می باشد. بدین معنی که پیشرفت همه جانبه جامعه خود به رشد و بالندگی فرهنگ، کمک شایانی می کند.

جامعه به عنوان سرمایه های فرهنگی آن جامعه، پشتوانه ای مؤثر برای توسعه محسوب می شود؛ سرما بهایی که تنها در روند توسعه بافتگی و موفقیت نسبی در آن، امکان ساز تولید خود را پیدا می کنند. بنابراین نکته حائز اهمیت در ارائه الگویی برای توسعه فرهنگی، بومی بودن آن و حفظ هویت فرهنگی طی فرآیند توسعه می باشد. تقلید صرف از توسعه دیگر به طور قطع نتایج ناگواری به بار خواهد آورد. در پایان لازم است تاکید کنم، توسعه فرهنگی منجر به خود باوری جامعه

بسر افزایش آماري تعداد دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و پذیرفته شدگان کنکور توانسته توسعه علمی و فرهنگی مد نظر را دنبال داشته باشد؟ مسئولان ما آیا تاکنون فکر نکرده اند چرا با افزایش تعداد دانشگاه ها، رشد علمی ما به همان نسبت کمتر شده؟ در توسعه فرهنگی سخن بر سر «باز اندیشی» و «باز سازی» فرهنگي است. بدون تردید، طسرد فرهنگ خودی نتیجه ای جز از دست رفتن هویت اجتماعی و تزلزل قوام جامعه در پی نخواهد داشت. ولیکن در باز اندیشی



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارگاتوریست: خالق علی زاده
دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهارم، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷